

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.azadab.ir

احکام فقہی غیبت و دروغ

محسن صبوری فیروزآبادی

سرشناسه: صبوری فیروزآبادی، محسن، ۱۳۶۱.
 عنوان و پدید آورنده: احکام فقهی غیبت و دروغ / نویسنده محسن صبوری
 فیروزآبادی.
 مشخصات نشر: قم، آبات ۱۳۹۹
 مشخصات ظاهری: ۱۱۶ صفحه
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۷۰۹-۴-۱
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 موضوع: غیبت (اخلاقی اسلامی) - احادیث - رساله عملیه - راستگویی و
 دروغگویی (فقه) - جنبه‌های مذهبی - اسلام
 رده‌بندی کنگره: BP ۲۵۱/۳
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۶۳۴
 شماره کتاب شناسی ملی: ۶۱۱۲۳۱۵



انتشارات آبات

۰۹۱۰۷۷۱۷۱۸۷

شناسنامه

عنوان کتاب: احکام فقهی غیبت و دروغ
 نویسنده: محسن صبوری فیروزآبادی
 ناشر: آبات
 تیراژ: ۵۰۰ جلد
 قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
 نوبت چاپ: چاپ اول / ۱۳۹۹

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست

مقدمه.....	۹
۱. اهمیت و بزرگی گناه غیبت.....	۱۱
۲. آثار مادی و معنوی غیبت.....	۱۴
الف: آثار مادی غیبت.....	۱۴
ب: آثار معنوی غیبت:.....	۱۵
۳. اهمیت و بزرگی گناه دروغ.....	۱۹
۴. آثار منفی دروغ.....	۲۰
الف: آثار دنیوی.....	۲۰
ب: آثار معنوی دروغ.....	۲۳
فصل اول: احکام غیبت.....	۲۷
گفتار اول: تعریف و قیود غیبت.....	۲۹
گفتار دوم: مستثنیات غیبت.....	۴۹
۱. غیبت متجاهر به فسق.....	۵۰
۲. غیبت مظلوم از ظالم.....	۵۱
۳. غیبت به جهت نُصح مُستشیر.....	۵۳
۴. غیبت به جهت نهی از منکر.....	۵۶
۵. غیبت کسی که به نشر مطالب گمراه کننده می پردازد.....	۵۸
۶. غیبت به جهت دفع ضرر از غیبت شونده.....	۶۰

۷. غیبت از شاهد فاسق..... ۶۲
۸. مواردی که مصلحت غیبت بالاتر از مفسده آن باشد ۶۳
- گفتار سوم: وظیفه غیبت کننده ۶۵
۱. حلایت گرفتن از غیبت شونده ۶۶
۲. اعاده حیثیت از غیبت شونده ۶۹
۳. استغفار برای غیبت شونده ۷۰
- گفتار چهارم: استماع غیبت ۷۲
۱. حرمت استماع غیبت ۷۲
۲. وظایف شونده غیبت ۷۳
- گفتار پنجم: چند مسأله پیرامون غیبت ۸۱
۱. کبیره بودن غیبت ۸۱
۲. نقد عملکرد مسئولین ۸۲
۳. معرفی افراد یا گروه های منحرف ۸۴
۴. غیبت جمع و طنزهای قومی ۸۶
۵. غیبت از افراد ناشناس ۸۸
۶. غیبت با اشاره ۸۹
۷. غیبت در نوشتار ۹۰
- فصل دوم: احکام دروغ..... ۹۳
- گفتار اول: تعریف و مصادیق دروغ..... ۹۵
۱. دروغ غیر جدی..... ۹۵

۲. توریه ۹۷
۳. مبالغه در گفتار ۹۹
۴. کنایات ۹۹
۵. تعارف غیر واقعی ۱۰۰
- گفتار دوم: استثنائات حرمت دروغ ۱۰۲
۱. دروغ به جهت دفع ضرر ۱۰۳
۲. دروغ جهت اصلاح روابط مؤمنین ۱۰۵
۳. دروغ گفتن به خانواده ۱۰۷
- گفتار سوم: چند مسأله پیرامون دروغ ۱۰۹
۱. دروغ در نوشتار ۱۰۹
۲. حکم دروغ بوسیله اشاره ۱۱۰
۳. حرمت خلف وعده ۱۱۱
۴. کبیره بودن دروغ ۱۱۴

مقدمه

بر اساس آیات قرآن کریم، هدف از خلقت انسان، عبودیت و بندگی می باشد؛ «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱. لذا - از آنجا که واژه "عبودیت" در زبان عربی به معنای اطاعت، خضوع و گردن نهادن می باشد^۲ - می توان گفت که انسان هنگامی در مسیر صحیح زندگانی قرار گرفته و به هدف خلقت نزدیک می شود که در برابر فرمان های الهی مطیع بوده و بایدها و نبایدهای شرعی را امتثال نماید؛ «وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۳

البته باید توجه داشت که این بایدها و نبایدها همگی از نظر اهمیت، در یک درجه قرار ندارند. بلکه در میان واجبات، اموری همچون نماز، زکات، حج، امر به معروف و... از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند. همچنین در میان محرمات نیز مواردی وجود دارند که مفسده آنها در نظر

۱. و من جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا عبادت کنند. (ذاریات: ۵۶)

۲. ر.ک جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۲، ص ۵۰۳، محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۷۲، فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۳۸۵.

۳. و اینکه مرا بندگی کنید که این همان صراط مستقیم است (یس: ۶۱).

شارع بیشتر از بقیه است که از آنها به "کبائر" یا همان "گناهان کبیره" تعبیر شده است؛ «إِنْ تَجَنَّبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا»^۱

طبیعی است که پرهیز از گناهان کبیره، متوقف بر شناخت مصادیق و احکام آنها می باشد. لذا از آنجا که در میان معاصی کبیره، دو گناه "غیبت" و "دروغ" از شیوع بیشتری برخوردار هستند، آشنایی با احکام مربوط به این دو گناه، ضروری به نظر می رسد. با این حال در کتب فتوایی حاضر در رابطه با احکام غیبت و دروغ بحث قابل توجهی ارائه نشده است. همین مساله باعث شد تا نگارنده با مراجعه به متون فقهی و تکیه بر استفتاءات کتبی و شفاهی، نظرات مراجع معظم تقلید را پیرامون مسائل مختلف این دو گناه استخراج نموده و در قالب کتابی مستقل تدوین نماید.

البته در این کتاب، ابتدا به بررسی اهمیت و آثار مادی و معنوی این دو گناه پرداخته و سپس به بررسی احکام فقهی هر کدام از این دو گناه می پردازیم؛

۱. و اگر شما از گناهان بزرگی که از آنها نهی شده اید دست بکشید، ما از گناهان کوچکتر شما چشم پوشی نموده و شما را در جایگاه نیکویی. وارد می نمایم. (نساء: ۳۱).

۱. اهمیت و بزرگی گناه غیبت

خداوند متعال در قرآن کریم نسبت به ارتکاب غیبت به مؤمنان هشدار داده و صورت برزخی آن را این چنین در مقابل دیدگان آنها به تصویر کشیده است؛ «وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ»؛ و هرگز یکی از شما از دیگری غیبت ننماید! آیا هیچگاه یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خویش را بخورد! [آری معلوم است] که چنین عملی را دوست نمی دارید. [پس] از خدا بترسید که او توبه پذیر و مهربان است.^۱

باید دانست که صرف بیان یک گناه در قرآن حکیم - که بنای آن بر اختصار و بیان کلیات مهم می باشد - و به تصویر کشیدن صورت برزخی آن معصیت، به خوبی اهمیت و عظمت آن گناه را روشن می نماید.

البته در روایات معصومین (ع) این مطلب به صورت مسوط تر مورد توجه قرار گرفته است که در اینجا تنها به ذکر چند نمونه، اکتفا می نمایم:

- رسول خدا (ص) در ضمن وصیت مفصل خود به جناب ابوذر غفاری فرمودند: «يَا أَبَا ذَرٍّ! إِلَيْكَ وَالْغَيْبَةُ فَإِنَّ الْغَيْبَةَ أَشَدُّ مِنَ الزُّنَا» ای

ابوذرا! بر حذر باش از ارتکاب غیبت که همانا غیبت از زنا شدیدتر است. عرض کردم: یا رسول الله! برای چه اینگونه است؟! آن حضرت فرمودند: «لَإِنَّ الرَّجُلَ يَزْنِي فَيَتُوبُ إِلَى اللَّهِ فَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَالْغِيْبَةُ لَا تُغْفَرُ حَتَّى يُغْفِرَهَا صَاحِبُهَا» زیرا کسی که زنا می کند چنانچه توبه نماید، خداوند او را می آمرزد. اما غیبت؛ تا شخص غیبت شونده شخص را عفو ننماید، بخشیده نمی گردد.^۱

- پیامبر اعظم (ص) می فرمایند: «مَرَزْتُ لَيْلَةَ أُسْرِيَ بِي عَلَى قَوْمٍ يَخْمِسُونَ وُجُوهُهُمْ بِأَظْفَارِهِمْ فَقُلْتُ يَا جَبْرِئِيلُ مَنْ هَؤُلَاءِ فَقَالَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَغْتَابُونَ النَّاسَ وَيَقْعُونَ فِي أَعْرَاضِهِمْ» شبی که مرا به معراج بردند، به گروهی رسیدم که صورتهای خود را با ناخن می خراشیدند! پس به جبرئیل گفتم: اینها کیستند! گفت: این گروه، کسانی هستند که از مردم غیبت می نمودند و متعرض آبروی آنها می شدند!^۲

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۸۰، باب حرمت غیبت نمودن از مؤمن ح ۹، همچنین ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه همین روایت را از جابر و ابو سعید نقل نموده است. (ر.ک ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۹، ص ۶۰).

۲. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۱۹، باب حرمت غیبت نمودن از مؤمن ح ۲۲، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۱۵، باب غیبت ح ۴.

- رسول خدا (ص): « تَرَكُ الْغَيْبَةَ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ رُكْعَةٍ تَطَوُّعاً » ترک نمودن غیبت، نزد خداوند متعال محبوب تر است از ده هزار رکعت نماز مستحب!

- حضرت رسول اکرم (ص) می فرمایند: « الْغَيْبَةُ أَسْرَعُ فِي دِينِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْأَكْلَةِ فِي جَوْفِهِ » [اثر گذاری و فاسد نمودن] غیبت نسبت به دین مسلمان، از مرضی که درون بدن او را بخورد سریعتر است.^۲

- پیامبر عظیم الشان اسلام خطاب به اصحاب خود فرمودند: « الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ أَنْتَظَارُ الصَّلَاةِ عِبَادَةٌ مَا لَمْ يُحْدِثْ » نشستن در مسجد به جهت انتظار نماز عبادت است؛ البته تا وقتی که کاری از انسان سر نزنند! کسی سؤال نمود: یا رسول الله! مقصودتان چه کاری است؟ فرمودند: « الْإِغْتِيَابُ » غیبت نمودن!^۳

۱. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۱۹، باب حرمت غیبت نمودن از مؤمن ح ۱۶، دعوات راوندی، ص ۲۹۳، ح ۴۳.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۸۰، باب حرمت غیبت نمودن از مومن، ح ۷.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۸۰، باب حرمت غیبت نمودن از مؤمن ح ۸، کافی، ج ۲، ص ۳۵۶، باب غیبت و تهمت، ح ۱.

۲. آثار مادی و معنوی غیبت

عالمان شیعه معتقدند که احکام الهی تابع مصالح و مفاسد موجود در افعال بوده و مقتضای حکمت بی نهایت پروردگار این است که هیچ حکمی بدون علت و دلیل، بر فعلی از افعال مکلفین منطبق نمی گردد. لکن دست یافتن بر تمام این مصالح و مفاسد و فهم فلسفه واقعی احکام، برای عقل ناقص و محدود بشری نا ممکن می باشد. البته در برخی روایات به پاره ای از حکمتهای نهفته در احکام اشاره شده است که نباید آنها را با علت واقعی و فلسفه حقیقی احکام، خلط نمود.

با مراجعه به مجامع روایی خواهیم دید که در رابطه با آثار و مضرات غیبت نیز روایات فراوانی از معصومین به دست ما رسیده است که در یک تقسیم ابتدایی می توانیم آنها را به آثار دنیوی و مادی، و آثار آخرتی و معنوی تقسیم نماییم:

الف: آثار مادی غیبت

- اولین اثر دنیوی غیبت این است که غیبت کننده در انتظار دیگران پست و بی مقدار گردیده و اعتماد اطرافیان نسبت به او سلب می گردد. امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند:

«إياك والغيبة فإنها تمقتك إلى الله والناس وتحبط أجرك» بر حذر

باش از غیبت نمودن! که تو را نزد خداوند و مردم پست می گردانند و اجر تو را از بین می برد.^۱

البته این امر کاملاً طبیعی به نظر می رسد زیرا مردم وقتی می بینند که شخصی از دیگران غیبت می کند، احتمال می دهند که آن شخص در جای دیگر به غیبت خود آنها نیز مشغول شود. لذا هرگز به او اعتماد ننموده و همواره با نظر تحقیر و اتهام به او می نگرند.

- دومین اثر دنیوی غیبت آن است که غیبت کننده در همین دنیا بخشی از مجازات عمل زشت خویش را می بیند. به این صورت که عده ای پیدا می شوند و نسبت به خود او غیبت نموده و آبروی او را مخدوش می نمایند. امام صادق (ع) می فرماید: « لَا تَغْتَبْ فَتَغْتَبَ » از دیگران غیبت نکن که مورد غیبت قرار می گیری!^۲

ب: آثار معنوی غیبت:

- اولین و خطرناک ترین اثر معنوی غیبت آن است که خداوند پیوند خویش را با آن شخص گسسته و او را از رحمت خویش دور می نماید؛

۱. غرر الحکم، ص ۲۲۱، باب غیبت، ح ۴۴۲۵.

۲. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۴۸، باب غیبت، ح ۱۶، امالی صدوق، ص ۴۲۰، مجلس شصت و پنجم.

امام صادق (ع) در این باره می فرمایند:

« مَنْ رَوَى عَلَى مُؤْمِنٍ رَوَايَةً يُرِيدُ بِهَا شَيْنَهُ وَ هَدَمَ مُرُوءَتَهُ لِيَسْقُطَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ وَلَايَتِهِ إِلَى وَلَايَةِ الشَّيْطَانِ فَلَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ »

هر کس که ماجرای را علیه مومنی نقل نماید و قصد او از این عمل خوار نمودن و از بین بردن شخصیت او باشد؛ تا از چشم مردم بیافتد، خداوند او را از دایره ولایت خویش بیرون نموده و به سوی ولایت شیطان حواله می دهد. اما شیطان نیز ولایت او را نمی پذیرد.^۱ همچنین در روایتی از موسی بن جعفر (ع) نقل شده است که آن حضرت فرمودند: « مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنِ اغْتَابَ أَخَاهُ » ملعون است! ملعون است! هر کس که از برادر دینی خود غیبت نماید.^۲ و چنانکه می دانیم، ملعون بودن در زبان عرب به معنای دوری از رحمت پروردگار می باشد.^۳

- دومین اثر معنوی غیبت محو گردیدن حسنات از نامه عمل انسان،

۱. کافی، ج ۲، ص ۳۵۸، باب نقل علیه مومن، ح ۱، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۹۴، باب حرمت آشکار نمودن سرّ مومن، ح ۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۳۱، باب حرمت راه ندادن شیعه به منزل خود، ح ۵.

۳. ر.ک فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۲، ص ۱۴۱، ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۳۸۷، طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۳۰۹.

می باشد؛ پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) می فرماید: «يُؤْتَى بِأَحَدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُوقَفُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ يُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ فَلَا يَرَى حَسَنَاتِهِ فَيَقُولُ إِلَهِي لَيْسَ هَذَا كِتَابِي فَإِنِّي لَا أَرَى فِيهَا طَاعَتِي فَقَالَ إِنَّ رَبَّكَ لَا يَضِلُّ وَلَا يَنْسَى ذَهَبَ عَمَلُكَ بِاغْتِيَابِ النَّاسِ ثُمَّ يُؤْتَى بِآخَرَ وَ يُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ فَيَرَى فِيهَا طَاعَاتٍ كَثِيرَةً فَيَقُولُ إِلَهِي مَا هَذَا كِتَابِي فَإِنِّي مَا عَمِلْتُ هَذِهِ الطَّاعَاتِ فَيَقُولُ إِنَّ فَلَانًا اغْتَابَكَ فَدَفَعْتُ حَسَنَاتُهُ إِلَيْكَ » بعضی افراد هستند که در روز قیامت آنها را در محضر پروردگار متعال حاضر می نمایند و نامه اعمالشان را به آنها نشان می دهند. اما اعمال نیک خویش را در آن نمی یابند! پس عرضه می دارد: بار الها! این نامه عمل من نیست زیرا حسنات خود را در آن نمی بینم! اما از جانب پروردگار خطاب می رسد: خدای تو نه اشتباه می کند و نه چیزی را از یاد می برد. بلکه اعمال تو بواسطه غیبت نمودن محو گردیده است. اما برخی افراد دیگر هنگامی که نامه اعمال خود را مشاهده می نمایند، در آن حسنات بسیاری مشاهده می کنند. پس خطاب به پروردگار عرضه می دارد: بار الها! این نامه عمل من نیست. چرا که چنین حسناتی از من صادر نگردیده است. پس از جانب ذات احدیت

خطاب می شود: فلانی از تو غیبت نمود. پس حسنات او را به تو دادیم!^۱

- سومین اثر شوم غیبت جلوگیری از قبول شدن عبادات مهمی همچون روزه و نماز است؛ رسول خدا (ص) فرمودند: «مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يُؤْجَرْ عَلَى صِيَامِهِ» هر کس در ماه رمضان، از مسلمانی غیبت نماید در مقابل روزه خود اجری نخواهد برد. همچنین آن حضرت در روایت دیگری می فرمایند: «مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهُ وَلَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلَيْلَةً إِلَّا أَنْ يَغْفَرَ لَهُ صَاحِبُهُ» هر کسی که از مرد یا زن مسلمانی غیبت کند، خداوند تا چهل روز و چهل شب نماز و روزه او را قبول نمی نماید؛^۲ مگر آنکه غیبت شونده او را ببخشد.^۳

۱. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۲۱، باب حرمت غیبت مومن، ح ۳۰، جامع الاخبار، ص ۱۴۷، فصل صد و نهم در غیبت.

۲. البته ناگفته پیداست که این روایت و روایات دیگری که در آنها بحث از قبول نکردن نماز و امثال آن مطرح شده است، ناظر به صرف قبولی عمل بوده و وجوب خواندن نماز را - حتی برای این افراد - نفی نمی نماید.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۲۲، باب وجوب امساک روزه دار از دروغ، ح ۲، بحار الانوار، ج ۷۲، ۲۵۸، باب غیبت، ح ۵۳. همچنین در روایتی که پیش از این از امیر المومنین (ع) نقل شد، آمده بود: «إِيَّاكَ وَالْغِيْبَةَ فَإِنَّهَا تَمَقِّتُكَ إِلَى اللَّهِ وَالنَّاسِ وَتَحْبُطُ أَجْرَكَ» از غیبت

۳. اهمیت و بزرگی گناه دروغ

زشتی و پلیدی دروغ از اموری است که عقل بشری - حتی پیش از مواجه شدن با حکم دین - آن را درک نموده و انسان را از ارتکاب آن منع می نماید. از این رو در تمام ادیان الهی دروغ گفتن از گناهان و معاصی شمرده شده است.^۱ در بیان قبح و مفسده دروغ همین بس که بدانیم بسیاری از فقهاء عظیم الشأن آن را در شمار گناهان کبیره، ذکر نموده اند. همچنین در روایات معصومین (ع) تعبیر تکان دهنده ای نسبت به دروغ به چشم می خورد که در اینجا به جهت تیمّن به دو روایت نورانی، اشاره می شود:

- مرحوم محدث نوری در کتاب شریف مستدرک الوسائل از وجود مبارک پیامبر اعظم (ص) نقل می کند، که فرمودند: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَذَبَ

→

نمودن بر حذر باش که آن، تو را نزد خداوند و مردم پست می گرداند و اجر تو را از بین می برد. (ر.ک غرر الحکم، ص ۲۲۱، باب غیبت، ح ۴۴۲۵).

۱. شیخ اعظم انصاری در مکاسب محرمه می فرمایند: «الکذب حرام بضرورة العقول و الأدیان، و يدلّ عليه الأدلة الأربعة..» حرمت دروغ نزد عقل و همه ادیان بدیهی بوده و ادله اربعه [یعنی: قرآن، سنت، اجماع و عقل] بر آن دلالت دارند. (ر.ک انصاری، مرتضی، مکاسب محرمه، ج ۲، ص ۱۱).

تَبَاعَدَ مِنْهُ الْمَلَكُ مِنْ تَنْهِ مَا جَاءَ مِنْهُ « هر گاه که بنده ای دروغ بگوید، فرشته ها به واسطه بوی تعفن عملش، از او دور می گردند.^۱

- مرحوم کلینی در کتاب گرانسنگ کافی - در ضمن حدیثی صحیح السند - از امام باقر (ع) نقل می کند که آن حضرت فرمودند: « إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَجَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ وَ الْكَذِبُ شَرُّ مِنَ الشَّرَابِ » خداوند متعال برای شرّ قفلهایی قرار داده و کلید همه آن قفلها را شراب و دروغ مقرر نموده است. و دروغ از شراب بدتر است.^۲

۴. آثار منفی دروغ

آثار و تبعات منفی دروغ را می توان به دو دسته دنیوی و اخروی تقسیم نمود؛

الف: آثار دنیوی

- اولین اثری منفی دروغ برای گوینده آن، از بین رفتن شخصیت و ارزش اجتماعی اوست. چرا که مردم برای سخنان چنین شخصی ارزش قائل نبوده و حرفهای او را فاقد اعتبار می دانند. رسول خدا (ص) در این باره می فرمایند: «كَثْرَةُ الْكَذِبِ تَذْهَبُ بِالْبَهَاءِ» دروغ گفتن زیاد، ارزش و

۱. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۸۹، باب تحریم دروغ، ح ۲۷.

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۳۸، باب کذب ح ۳.

عظمت انسان را از بین می برد.^۱ همچنین در روایت است که: « من عُرف بالكذب قلَّت الثقة به » کسی که به دروغگویی شناخته شود، اطمینان نمودن به او، کم می شود.^۲

- دومین اثر دنیوی که بر عادت به دروغگویی مترتب می شود، کم شدن رزق و ابتلا به فقر است. امیر المؤمنین (ع) می فرمایند: « اَعْتِيَادُ الْكُذِبِ يُورِثُ الْفَقْرَ » عادت به دروغگویی انسان را مبتلا به فقر می نماید.^۳ ممکن است در ابتدا به نظر برسد که ارتباطی میان دروغ گفتن و کم شدن رزق وجود نداشته باشد. لکن با نگاهی دقیقتر برای انسان معلوم می شود که با رویگردانی مردم از شخص دروغگو و اعتماد نکردن به او در فعالیتهای اقتصادی، کم شدن روزی برای دروغگو، کاملاً طبیعی خواهد بود. خصوصاً هنگامی که آن فرد به گفتن دروغ عادت نموده و احیاناً در مواردی دست او رو شده باشد.

- سومین از آثار مادی دروغ، نرسیدن به اهداف و در نهایت به بار آمدن ندامت و پشیمانی است. امیر المؤمنین (ع) در ضمن وصیت خویش

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۱۸، باب کراهت کثرت مزاح و خنده، ح ۱۲.

۲. غرر الحکم، ص ۲۲۰، ح ۴۳۸۹.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۳۴۷، باب جمله ای از اموری که ترک آنها نیکو است، ح ۲۰.

به امام مجتبی (ع)، می فرمایند: «عَاقِبَةُ الْكَذِبِ النَّدَمُ وَفِي الصِّدْقِ السَّلَامَةُ» عاقبت دروغ پشیمانی بوده و نجات در راستی است.^۱

- و در نهایت می توان گفت که شیوع دروغ و بی صداقتی در جامعه موجب بروز فساد و تباهی در جمیع شئون حیات بشری می شود. زیرا بسیاری از رفتارهای افراد بر اساس اطلاعاتی است که از دیگران دریافت می نمایند. پس اگر این اطلاعات با واقع تطابق نداشته و زاییده دروغ پردازی دیگران باشد، فساد و نابهنجاری تمام جامعه انسانی را در بر خواهد گرفت. در اینجا به عنوان نمونه می توان به بوق های تبلیغاتی عالم استکبار و صهیونیسم بین الملل اشاره نمود که با دروغ پردازیهای حرفه ای خود، افکار عمومی جهانیان را به سوی منافع و مقاصد شوم خویش، سوق می دهند. راستی چگونه است که انسانهای به ظاهر متمدن غرب - که گاهاً برای دفاع از حقوق حیوانات، فریاد سر می دهند - در مقابل نسل کشی انسانهای بی گناه در فلسطین و بحرین، سکوت اختیار نموده و آن را به صلاح جامعه بشری می دانند. چگونه است که دفاع یک ملت مظلوم از حق مسلم خود، مصداق تروریسم خوانده شده و اعمال وحشیانه سامریان

۱. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۱۲.

عظمت انسان را از بین می برد.^۱ همچنین در روایت است که: « من عُرف بالكذب قلت الثقة به » کسی که به دروغگویی شناخته شود، اطمینان نمودن به او، کم می شود.^۲

- دومین اثر دنیوی که بر عادت به دروغگویی مترتب می شود، کم شدن رزق و ابتلا به فقر است. امیر المؤمنین (ع) می فرمایند: « اَعْتِيَادُ الْكَذِبِ يُورِثُ الْفَقْرَ » عادت به دروغگویی انسان را مبتلا به فقر می نماید.^۳ ممکن است در ابتدا به نظر برسد که ارتباطی میان دروغ گفتن و کم شدن رزق وجود نداشته باشد. لکن با نگاهی دقیقتر برای انسان معلوم می شود که با رویگردانی مردم از شخص دروغگو و اعتماد نکردن به او در فعالیتهای اقتصادی، کم شدن روزی برای دروغگو، کاملاً طبیعی خواهد بود. خصوصاً هنگامی که آن فرد به گفتن دروغ عادت نموده و احیاناً در مواردی دست او رو شده باشد.

- سومین از آثار مادی دروغ، نرسیدن به اهداف و در نهایت به بار آمدن ندامت و پشیمانی است. امیر المؤمنین (ع) در ضمن وصیت خویش

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۱۸، باب کراهت کثرت مزاح و خنده، ح ۱۲.

۲. غرر الحکم، ص ۲۲۰، ح ۴۳۸۹.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۳۴۷، باب جمله ای از اموری که ترک آنها نیکو است، ح ۲۰.

به امام مجتبی (ع)، می فرمایند: «عَاقِبَةُ الْكَذِبِ النَّدَمُ وَفِي الصَّدْقِ السَّلَامَةُ» عاقبت دروغ پشیمانی بوده و نجات در راستی است.^۱

- و در نهایت می توان گفت که شیوع دروغ و بی صداقتی در جامعه موجب بروز فساد و تباهی در جمیع شئون حیات بشری می شود. زیرا بسیاری از رفتارهای افراد بر اساس اطلاعاتی است که از دیگران دریافت می نمایند. پس اگر این اطلاعات با واقع تطابق نداشته و زاییده دروغ پردازی دیگران باشد، فساد و نابهنجاری تمام جامعه انسانی را در بر خواهد گرفت. در اینجا به عنوان نمونه می توان به بوق های تبلیغاتی عالم استکبار و صهیونیسم بین الملل اشاره نمود که با دروغ پردازیهای حرفه ای خود، افکار عمومی جهانیان را به سوی منافع و مقاصد شوم خویش، سوق می دهند. راستی چگونه است که انسانهای به ظاهر متمدن غرب - که گاهاً برای دفاع از حقوق حیوانات، فریاد سر می دهند - در مقابل نسل کشی انسانهای بی گناه در فلسطین و بحرین، سکوت اختیار نموده و آن را به صلاح جامعه بشری می دانند. چگونه است که دفاع یک ملت مظلوم از حق مسلم خود، مصداق تروریسم خوانده شده و اعمال وحشیانه سامریان

یهود، دفاع مظلومانه معرفی می گردد. آیا این نظم نوین باطل و این قانون متّبع حیوانی، تنها زائیده تبلیغات کذب و استعمار افکار عمومی جهانیان نیست. آیا لشکرکشی ایالات متحده آمریکا از هزاران کیلومتر دورتر به سوی بلاد اسلامی، جز با بهانه قرار دادن دروغهایی چون وجود سلاح کشتار جمعی، اتهام در حملات یازده سپتامبر و ... بوده است. و اینجا است که معنای کلام امیرالمومنین، علی (ع) به خوبی روشن می شود که می فرمایند: «الکذب فساد کل شیء» «دروغ موجب فساد همه چیز است»^۱.

ب: آثار معنوی دروغ

- گاهی اوقات انسان بوسیله تفکر در آثار خلقت و یا مطالعه ادله اعتقادی، نسبت به وجود خداوند متعال و وعده های اخروی او، علم و اطمینان حاصل می کند. با این همه هنگامی که در موقعیت امتحان و آزمون قرار می گیرد، وجود خدا و قیامت را از یاد برده و مرتکب معصیت می شود در حالی که اگر دیگران را شاهد رفتار خود می دید، چنین نمی کرد. این مسأله نشان می دهد که انسان - علاوه بر علم - نیاز به مرتبه

۱. غرر الحکم، ص ۲۲۰، ح ۴۴۰۶.

والا تری از معرفت دارد که با داشتن آن، وجود خداوند را در هیچ حالی از یاد نبرده و متوجه حضور و نظارت دائم او باشد. در فرهنگ دینی به این مرحله از آگاهی و معرفت ایمان گفته می شود. حال با توجه به اهمیت ایمان و نقش آن در تأمین سعادت انسانی، باید بگوییم که یکی از مهمترین آثار منفی که دروغگویی در انسان ایجاد می کند این است که این گناه بزرگ، ایمان انسان را به سمت افول و نابودی می کشاند. حضرت باقر العلوم (ع) می فرمایند: «إِنَّ الْكَذِبَ هُوَ خَرَابُ الْإِيمَانِ» دروغ موجب تباهی ایمان می گردد.^۱

- دومین اثر معنوی دروغ، ایجاد حالت زشت نفاق و دورویی در انسان است. در روایت است که «الکذب یؤدّی إلى النفاق» دروغگویی منجر به نفاق می شود.^۲ چنانکه از آیات و روایات استفاده می شود، در معارف دینی نفاق در دو معنا استعمال می شود؛ اول: همکاری پنهانی با دشمنان دین. و دوم: اختلاف ظاهر و باطن انسان. لذا به نظر می رسد که مقصود از نفاق در این بحث، همان نفاق به معنای اخیر می باشد. زیرا

۱. کافی، ج ۲، ص ۳۳۹، باب دروغ، ح ۴.

۲. غرر الحکم، ص ۲۲۰، ح ۴۴۰۸.

دروغگو چیزی را اظهار می کند که حقیقت نداشته و حتی خود نیز به آن اعتقاد ندارد. و بدیهی است که تکرار این رفتار موجب می شود که به مرور تطابق میان ظاهر و باطن در انسان، از بین برود. این معنا با دقت در کلام گهربار پیامبر اعظم (ص) روشتر می گردد: «الکذب باب من أبواب النفاق» دروغ دری است از درهای [رسیدن به] نفاق.^۱

- سومین اثر معنوی دروغ، سلب توفیق و باز ماندن از اعمال حسنه است. امام صادق (ع) در این باره می فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ الْكَذِبَةَ فَيَحْرُمُ بِهَا صَلَاةَ اللَّيْلِ فَإِذَا حُرِمَ صَلَاةَ اللَّيْلِ حُرِمَ بِهَا الرِّزْقُ» ممکن است انسان یک دروغ کوچک بگوید و همین موجب شود که از نماز شب محروم شود. پس اگر از نماز شب باز بماند؛ از روزی محروم می شود.^۲ البته این اثر شوم در گناهان دیگر نیز وجود دارد. چنانکه نقل شده است که شخصی به محضر مولای متقیان علی (ع) عرض نمود: «إِنِّي قَدْ حُرِمْتُ الصَّلَاةَ بِاللَّيْلِ!» من از نماز شب محروم گردیده‌ام! حضرت به او فرمودند: «أَنْتَ رَجُلٌ قَدْ قَيَّدَتْكَ ذُنُوبُكَ» تو فردی هستی که گناهانات تو

۱. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۱۳، باب دروغ، ح ۲.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۱۱۲، وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۱۶۰، باب کراهت ترک نماز

شب، ح ۳.

را در بند نموده است.^۱

- و اما چهارمین اثر شوم دروغ‌گویی، ظاهر گردیدن اثر پلید برزخی آن در روح انسان است؛ چنانکه در روایات معصومین (ع) بیان شده است، هر گناه یک صورت و حقیقت زشت و پلید دارد که انسان با حواس محدود مادی خویش، نمی تواند در این دنیا متوجه آن شود. البته پس از مرگ و ورود به عالم برزخ این حقائق برای همگان آشکار می گردد. و از همین رو است که درباره اشخاصی که باطن افعال را می بینند، گفته می شود که آنها چشم برزخی دارند. زیرا آنها همان چیزهایی را که دیگران در عالم برزخ خواهند دید، در همین عالم مشاهده می نمایند. و اما در رابطه با چگونگی صورت برزخی دروغ، تا همین اندازه در روایات اشاره شده است که ملائکه الهی از بوی بد آن آزرده می گردند. رسول خدا (ص) می فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَذَبَ تَبَاعَدَ مِنْهُ الْمَلَكُ مِنْ تَنْ مَآ جَاءَ مِنْهُ» هر گاه بنده ای دروغ بگوید، فرشتگان بواسطه بوی بد آن، از او دور می شوند.^۲

۱. کافی، ج ۳، ص ۴۵۰، باب نمازهای مستحب، ح ۳۴، وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۱۶۰.

باب کراهت ترک نماز شب، ح ۵.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۸۹، باب تحریم دروغ، ح ۲۷.